

فلسفه اخلاق در علم مدیریت

حسین خنیفر *

زینب بزاز **

زینب مولوی ***

پذیرش نهایی: ۹۴/۱/۱۷

دریافت مقاله: ۹۲/۶/۶

چکیده

این مقاله سعی دارد با معرفی معنا و مفهوم اخلاق و علم مدیریت و ایجاد آشنایی اولیه، و بیان نقش علم مدیریت در تصمیم‌گیری و لزوم رعایت اصول اخلاقی در آن، روشهای تجزیه و تحلیل مسائل اخلاقی مطرح در تصمیم‌گیریها و اصول حاکم بر ارزشهای اجتماعی معرفی شود. در نهایت، چیستی و فلسفه اخلاق در علم مدیریت بیان می‌شود. این تحقیق از نوع کاربردی، و با روش توصیفی انجام گرفته و اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و با تحلیل و بررسی متون مربوط جمع‌آوری شده است. نتایج این تحقیق بر لزوم به‌کارگیری ارزشهای اخلاقی در علم مدیریت برای داشتن مدیریت بهتر و گرفتن تصمیمات واقع‌بینانه و مبتنی بر ارزشهای حاکم بر جامعه تأکید می‌کند؛ بنابراین، چندین روش برای وارد کردن اخلاق در مدیریت به طراحان الگوهای تصمیم‌گیری پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه‌ها: اخلاق، فلسفه اخلاق، تصمیم‌گیری، علم مدیریت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

hkhanifar@yahoo.com

* استاد دانشکده مدیریت، پردیس فارابی دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی گرایش مالی، پردیس فارابی دانشگاه تهران

z_bazaz1987@yahoo.com

*** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، پردیس فارابی دانشگاه تهران

ze_molavi@yahoo.com

مقدمه

آدمی از آغاز تا پایان زندگی خویش به طور فطری ارزشهای اخلاقی را درک می‌کند و به آنها گرایش دارد؛ به همین روی پژوهشهای اخلاقی همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های اندیشمندان بوده است. امروزه توسعه فناوریانه جوامع صنعتی و پیچیده‌تر شدن روابط انسانی و نیز ظهور بحرانهای اخلاقی در این گونه جوامع، تحقیق و پژوهش را در ابعاد مختلف اخلاق، بیش از پیش ضرورت بخشیده است (شریفی، ۱۳۸۴: ۵).

در عصری که ما زندگی می‌کنیم، تنظیم روابط اجتماعی بر اساس اصول اخلاقی اهمیتی فوق‌العاده پیدا کرده است. در بسیاری از عرصه‌های نوین کار و زندگی اگر انسانها نخواهند به احکام اخلاقی وفادار بمانند، هیچ نیرویی برای بازداري آنها از تجاوز به حقوق یکدیگر وجود ندارد (محمودیان، ۱۳۸۰: ۱۰).

کسانی که در مراتب و مسئولیتهای بالاتر قرار دارند، بیش از دیگران به پایبندی اصول اخلاقی نیازمندند و با زیر پا گذاشتن اخلاق از جانب آنان، دین و دنیای مردمان به تباهی کشیده می‌شود. البته پایبندی آنان به اخلاق زمینه‌ای مناسب برای دیگران در اتصاف به کمالات اخلاقی را فراهم می‌سازد. به بیان پیشوای پایبندان به اصول اخلاقی، علی (ع): «زاممدار همچون رودخانه پهناوری است که رودهایی کوچک از آن جاری می‌شود؛ پس اگر آب آن رودخانه پهناور گوارا باشد، آب درون رودهای کوچک گوارا خواهد بود و اگر شور باشد، آب درون آنها نیز شور خواهد بود»^(۱) (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵).

در باب اخلاق، علوم گوناگونی پدید آمده است که هر کدام بر جنبه خاصی در باب آن می‌پردازد. یکی از این علوم فلسفه اخلاق است. فلسفه اخلاق علمی است که به مبادی تصویری و تصدیقی و معیارهای کلی خوب و بد در اخلاق می‌پردازد (معلمی، ۱۳۸۵: ۹۴).

در این مقاله سعی می‌شود تا ضمن تبارشناسی واژه اخلاق، فلسفه اخلاق و ابعاد آن مورد کاوش قرار گیرد؛ سپس با عنایت به دانش مدیریت، امتزاج اخلاق و علم مدیریت با یکدیگر مورد ملاحظه قرار می‌گیرد و در مرزهای این دو دانش حرکت می‌شود.

بیان مسئله

این درک همگانی، که همه ما به دیگر افراد جامعه خود مدیون و متعهد هستیم و اینکه باید در رفتار خود نسبت به اطرافیان، درست و نادرست بودن را مد نظر داشته باشیم، باید عملی گردد. تاریخ ۲۴۰۰ سال گذشته سرشار از کوشش‌هایی است که به منظور توجیه استانداردهای اخلاقی و طراحی سامانه اخلاقی، صورت گرفته است (هسمر^۱، ۱۳۸۲: ۱۱۶ و ۱۱۵). اهمیت اخلاق تا آنجاست که پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید:

بدرستی من مبعوث شده‌ام تا ارزشهای اخلاقی را تمام و کمال محقق سازم^(۲) (غروی‌ان، ۱۳۸۰:

۱۰).

در زمانه ما نیز یکی از پرچالشترین مباحث در موضوعات مدیریتی، فلسفه اخلاق است. فلسفه اخلاق از چیستی، خوبی و بدی و از وظایف و تکالیف اخلاقی و اینکه این تکالیف برای چه مقصودی باید انجام گیرد و هدف و غایت این وظایف و تکالیف چیست، بحث می‌کند (حسین زکی، ۱۳۸۴).

چه چیزی صحیح، مناسب و عادلانه است؟ این پرسش بتدریج و بویژه برای مدیران که تصمیماتشان بر مردم و جامعه تأثیرگذار خواهد بود از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. اخلاق در مدیریت نیز بر این اساس، که روابط ما با اعضای جامعه‌ای که در آن فعالیت داریم چگونه است و چگونه باید متمرکز گردد، استوار است. بدون تردید مهمترین و حساسترین مسئله در مدیریت ایجاد تعادل و توازن بین عملکرد اقتصادی و عملکرد اجتماعی برای هر تصمیم اخلاقی است (هسمر، ۱۳۸۲: ۱۱).

علم مدیریت^۲ یا تحقیق در عملیات^۳، پیشرفتهای بسیاری در حدود ۲۰ سال اخیر در حوزه‌های سامانه‌های اجتماعی، سامانه‌های انسانی و سامانه‌های نرم داشته است که این امر نشان می‌دهد که این رشته به طور مستقیم با مأموریت اصلی و نگرانیهای نهضت اخلاق کسب و کار مرتبط است (سینگر و سینگر^۴، ۱۹۹۷: ۳۸۵).

در واقع آنچه به نام علم مطرح می‌شود، دانشی است که مشخص‌کننده پدیده‌های مختلف و

1 - Hosmer

2 - Management science

3 - Operations research

4 - Singer & Singer

تفسیرکننده روابط بین این پدیده‌ها، و بیانگر روشهای کمی و فرمولها و شیوه‌هایی است که می‌تواند به عنوان ابزاری در اختیار اصول و روابط زیربنایی مدیریت قرار گیرد (جامعی، ۱۳۸۸: ۱۷-۵). از طرفی به دلیل ماهیت استراتژیک علم مدیریت در کمک به تصمیم‌گیری در حوزه انسانی، این علم نسبت به سایر علوم می‌تواند بر اقشار مختلف جامعه، محیط و طبیعت تأثیر بگذارد و هر روز هم بیشتر و بیشتر می‌گردد (آذر، ربیع و قیطاسی، ۱۳۸۷: ۶۱).

مهمترین نقش اخلاق در تصمیم‌گیری عملی است. اخلاق در شکل‌دهی به تصمیم و تنظیم فرایند شکل‌گیری آن نقش تعیین‌کننده دارد. رعایت نکردن اخلاق در تصمیم‌گیری موجب وارد شدن آسیبهای فراوان به فرد و جامعه می‌شود و حتی قوانین و مجازات مختلف نتوانسته است تا حد مطلوب جامعه را به رفتار مناسب مجاب کند. در این میان اخلاق مبتنی بر فرهنگ الهی می‌تواند نظام تصمیم‌گیری را بهینه و سالم گرداند (علی‌اکبری و رضانی، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

با توجه به این موارد، که بیان‌کننده اهمیت اخلاق در تمام علوم و بویژه علم مدیریت است در این مقاله به این پرسش اساسی پاسخ داده می‌شود: "نقش و فلسفه اخلاق در مدیریت و بویژه علم مدیریت چیست؟"

مبانی نظری

الف) اخلاق^۱

واژه «اخلاق» از نظر لغوی جمع «خُلُق» و «خُلُق» از ماده «خ ل ق» به معنای سجایا و منشهای پایدار درونی (اعم از خوب یا بد) است (نجارزادگان، ۱۳۸۷: ۱۹). در عموم کتابهای لغوی این واژه با واژه «خُلُق» هم‌ریشه دانسته شده است. خُلُق هر انسانی صورت و قیافه روح و باطن اوست (وحید خراسانی، ۱۳۸۵: ۱۳۳)، خُلُق زیبا به معنای بهره‌مندی از سرشت و سجه‌ای زیبا و پسندیده و خُلُق زیبا به معنای داشتن آفرینش و ظاهری زیبا و اندامی موزون و هماهنگ است (شریفی، ۱۳۸۴: ۱۹).

به طور کلی واژه اخلاق و بویژه اخلاق سازمانی و رفتاری (و بخصوص اخلاق حرفه‌ای افراد در پهنه و صحنه عمل و فعالیت) با استانداردهای مربوط به درست و غلط‌بودن رفتارها سر و کار

1 - Ethics

دارد (فیشر و بوهن^۱، ۲۰۰۷: ۱۵۶۱)

اخلاق در اصطلاح دانشمندان اخلاقی معانی و کاربردهای متفاوتی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۳)؛ مثلاً برخی خلق و اخلاق را ملکه‌ای نفسانی (کیفیتی که بسختی و کندی زایل می‌شود) دانسته‌اند (مسکویه، ۱۳۷۵: ۵۷) که مقتضی صدور کارها از انسان بدون نیاز به فکر و اندیشه است. برخی نیز اخلاق را تنها بر فضایل اخلاقی اطلاق می‌کنند و آن را در مقابل ضد اخلاق به کار می‌برند (فرانکینا^۲، ۱۳۷۶: ۲۸). به هر حال معانی اصطلاحی متفاوتی برای اخلاق بیان شده است اما رایجترین معنای اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی، «صفات و ویژگیهای پایدار در نفس است که موجب می‌شود کارهایی متناسب با آن صفات به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان صادر شود» (شریفی، ۱۳۸۴: ۱۹).

برای «علم اخلاق» نیز تعاریف مختلفی ذکر شده است. که می‌توان آنها را در دو دسته کلی جای داد: تعریف علم اخلاق با تکیه بر «علم و شناخت» و تعریف آن با تأکید بر «علم و رفتار اخلاقی» (شریفی، ۱۳۸۴: ۲۰). در تعریف علم اخلاق می‌توان گفت علم اخلاق علمی است که ضمن معرفی و شناساندن انواع خوبیها و بدیها، راه‌های کسب خوبیها و رفع بدیها را به ما تعلیم می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۸)؛ یعنی هم بعد شناختی و معرفتی دارد و هم بعد عملی و رفتاری (شریفی، ۱۳۸۴: ۲۰)؛ پس می‌توان گفت هدف بی‌واسطه علم اخلاق، فراهم آوردن زمینه لازم برای رشد بعد اخلاقی است (نجار زادگان، ۱۳۸۷: ۲۱). از کلمات ابو علی مسکویه در بیان غرض و فائده علم اخلاق می‌توان این علم را چنین تعریف کرد: «علم اخلاق، دانش اخلاق و سجایایی است که موجب می‌شود جمیع کردار انسان زیبا باشد؛ در عین حال آسان و سهل از او صادر شود» (مدرسی، ۱۳۷۶: ۱۷).

فلسفه اخلاق

واژه فلسفه در فرهنگ عمید به معنای حکمت، تفکر و تعمق و تفنن در مسائل علمیه و هم‌چنین به عنوان علمی آورده شده است که در مبادی و حقایق اشیا و علل وجود آنها بحث می‌کند (عمید، ۱۳۶۲: ۷۷۷). فلسفه اخلاق نیز بحثی فلسفی درباره اخلاق، مسائل اخلاقی و احکام اخلاقی است

1 - Fisher & Bohn

2 - Frankena

(فرانکینا، ۱۳۷۶: ۲۵)؛ به تعبیر دیگر، فلسفه اخلاق، علمی است که در آن از چیستی خوبی و بدی و از وظایف و تکالیف اخلاقی و اینکه این تکالیف برای چه مقصودی باید انجام گیرد و هدف و غایت این وظایف و تکالیف چیست، بحث می‌کند (حسین زکی، ۱۳۸۴)؛ پس می‌توان گفت فلسفه اخلاق از مبادی علم اخلاق به شیوه تعقلی سخن می‌گوید و از حیث منطقی بر علم اخلاق مقدم است (نجارزادگان، ۱۳۸۷: ۲۰).

پژوهشهای گوناگونی درباره اخلاق از سوی دانشمندان و محققان علوم مختلف صورت گرفته است. در این خصوص عمدتاً سه حوزه مطالعاتی معروف در باب اخلاق عبارت است از: پژوهش توصیفی، هنجاری و تحلیلی یا فرا اخلاقی (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۹)؛ که ابتدا به آنها اشاره، و سپس بیان می‌شود که فلسفه اخلاق کدامیک از این ابعاد را شامل می‌شود.

۱. اخلاق توصیفی^۱

اخلاق توصیفی به پژوهش اخلاقی‌ای گفته می‌شود که با کمک روش نقلی و تجربی به توصیف و گزارش اخلاقیات افراد، گروه‌ها و جوامع مختلف می‌پردازد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۹). آنچه توجه به آن در تبیین این اصطلاح ضروری است این است که اخلاق توصیفی عاری از هرگونه ارزیابی اخلاقی و ارزش داوری است. در این صورت در اخلاق توصیفی از درستی و نادرستی احکام و معیارهای اخلاقی سخنی به میان نمی‌آید (وارنوک^۲، ۱۳۸۰: ۳۳). از این رو هدف پژوهشهای توصیفی در اخلاق صرفاً آشنایی با چگونگی رفتارهای اخلاقی افراد و جوامع مختلف است نه ارائه تحلیل عقلی و فلسفی از اخلاقیات و یا توصیه و ترغیب افراد به عمل بر طبق آنها یا اجتناب از آنها (شریفی، ۱۳۸۴: ۲۱).

۲. اخلاق هنجاری یا دستوری^۳

اخلاق هنجاری به مطالعات و بررسیهای هنجاری درباره تعیین اصول، معیارها و روشهایی برای تبیین «حُسن و قُبُح»، «درست و نادرست»، «باید و نباید» و امثال آن گفته می‌شود (نلسن^۴، ۱۹۷۲: ۱۲۲ و ۱۲۱). این بخش از پژوهشهای اخلاقی، که گاهی «اخلاق دستوری» نیز نامیده می‌شود به بررسی افعال اختیاری انسان و صفات برخاسته از آنها از حیث خوبی یا بدی و بایستگی یا نبایستگی

1 - Descriptive Ethics

2 - Var nok

3 - Normative Ethics

4 - Nielsen

می‌پردازد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰: ۱۹). روش بحث در این نوع پژوهش، استدلالی و عقلی است و نه تجربی و تاریخی (شریفی، ۱۳۸۴: ۲۱).

۳. فرا اخلاق^۱

این رویکرد، که به آن اخلاق نظری و اخلاق تحلیلی و فلسفی نیز گفته می‌شود به تحلیل گزاره‌های اخلاقی می‌پردازد (فرانکینا، ۱۳۷۶: ۲۷). موضوع این نوع پژوهش نه رفتارهای اخلاقی مورد قبول افراد و جوامع خاص است و نه افعال اختیاری انسان بلکه مفاهیم و جملاتی است که در اخلاق هنجاری مورد بحث قرار می‌گیرد. وظیفه فیلسوفی که به این نوع بررسی می‌پردازد، صرفاً بررسی معنای «خوب» و «بد» و تحلیل گزاره‌های مورد بحث است (شریفی، ۱۳۸۶: ۲۶). فرا اخلاق به سؤالات منطقی، معرفت شناختی و یا معنا شناختی پاسخ می‌دهد؛ به دیگر سخن گزاره‌های اخلاقی در فرا اخلاق از چند جنبه مورد بحث قرار می‌گیرد:

الف) از حیث مسائل معنا شناختی^۲: مفاهیم اخلاقی در این قسمت به دو دسته تقسیم می‌شود ۱- مفاهیم ارزشی مانند «خوب» و «بد»، «درست» و «خطا» ۲- مفاهیم الزامی مانند «باید» و «نباید» و «وظیفه». این نوع مفاهیم، که معمول گزاره اخلاقی قرار می‌گیرد، در اینجا مورد بحث واقع می‌شود (فرانکینا، ۱۳۷۶: ۲۷).

ب) مسائل معرفت شناختی اخلاق^۳: در این قسمت برای مثال به بحث از خبری یا انشایی بودن گزاره «عدالت خوب است»، پرداخته می‌شود که اگر خبری باشد صدق و کذب می‌پذیرد و اگر انشایی باشد صدق و کذب نمی‌پذیرد (فرانکینا، ۱۳۷۶: ۲۷).

ج) مسائل منطقی اخلاق^۴: در این قسمت موضوع بحث ارتباط گزاره‌های اخلاقی با یکدیگر و نیز با قضایای غیر اخلاقی است؛ مثلاً مسئله معروف باید و هست در این قسمت مطرح می‌شود. شاید مهمترین مسئله فرا اخلاق، بنیان^۵ و توجیه^۶ داوریهای اخلاقی باشد؛ یعنی پاسخ به پرسش‌هایی از قبیل اینکه «چرا من باید عادل باشم؟»، «بنیای این الزام چیست؟»، «چه توجیهی برای پذیرش آن می‌توان ارائه کرد؟» (فرانکینا، ۱۳۷۶: ۲۷).

- 1 - Meta Ethics
- 2 - Sementical question
- 3 - Epistemological question
- 4 - Logical question
- 5 - Foundation
- 6 - Justification

گروهی از فیلسوفان متأخر، فلسفه اخلاق را به تفکر در نوع سوم یعنی فرا اخلاق منحصر کرده‌اند. (فرانکینا، ۱۳۷۶: ۲۷). به هر حال به نظر می‌رسد که فلسفه اخلاق، عنوان دیگری برای «فرا اخلاق» باشد و اخلاق توصیفی و هنجاری را شامل نشود؛ زیرا فلسفه اخلاق در واقع به بحث و بررسی درباره مبانی تصویری و تصدیقی علم اخلاق و گزاره‌های اخلاقی می‌پردازد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰: ۲۴). بنابراین، فلسفه اخلاق، علمی است که از مبادی تصدیقی علم اخلاق به منظور تشخیص معیارهای خوبی و بدی و به دست آوردن ملاک ارزشی رفتار انسانها بحث می‌کند؛ به این معنا که انسان تکالیف و رفتارهای اخلاقی را برای چه هدف و غایتی باید انجام بدهد یا آن را ترک کند و هدف و مقصد این رفتارها چیست؛ به عبارت دیگر هدف فلسفه اخلاق، شناخت ملاکهای خوبی و بدی افعال است تا انسانها رفتارشان را بر اساس آن و با انگیزه و هدفی که از آن دارند بسنجند (حسین زکی، ۱۳۸۴).

با توجه به موضوع مقاله، که فلسفه اخلاق در علم مدیریت است، این مقاله در حوزه سوم پژوهشها یعنی فرا اخلاق قرار می‌گیرد و به بیان حقیقت اخلاق و علل وجود آن در علم مدیریت می‌پردازد.

ب) علم مدیریت

مدیریت را به گونه‌های متفاوت تعریف کرده‌اند. صاحب‌نظری مدیریت را هنر انجام دادن کارها به وسیله دیگران توصیف کرده و بر نقش دیگران و قبول هدف از سوی آنان تأکید ورزیده است (الوانی، ۱۳۸۴: ۱۷). گروهی مدیریت را علم و هنر هماهنگی کوشش‌ها و مساعی اعضای سازمان و استفاده از منابع برای دستیابی به اهداف معین توصیف کرده‌اند. گروهی دیگر مدیریت را در قالب اجرای وظایفی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و ... بیان نموده‌اند (الوانی، ۱۳۸۴: ۱۷). ولی کاملترین و مورد توافقترین تعریفی که برای مدیریت مطرح شده، عبارت است از فراگرد به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای نظام ارزشی پذیرفته شده است که از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین شده، صورت می‌گیرد (رضایان، ۱۳۸۳: ۸). مدیریت هم‌چنین فرایند طراحی و حفظ محیطی معرفی شده است که در آن افراد با یکدیگر کار می‌کنند و اهداف تعیین شده را کارا انجام

می‌دهند (کنتز و ویریج^۱، ۲۰۰۸: ۴). یکی از علمای مدیریت و اقتصاد، مدیریت را تصمیم‌گیری دانسته و این وظیفه را بهترین و اصیلترین نقش مدیر قلمداد کرده است (الوانی، ۱۳۸۴: ۱۸). از جمله در حرفه مدیریت که تصمیم‌گیری جوهر تمامی فعالیتهای مدیریت است (الوانی، ۱۳۸۴: ۱۹۳) و به عبارتی در قلب فرایند مدیریت قرار گرفته است و اگر قرار باشد عمل یا فرایندی را معادل با مدیریت بدانیم، تنها و تنها تصمیم‌گیری است (فردریک^۲، ۲۰۰۲). از طرفی آندرسون علم مدیریت را یاری‌کننده به افراد برای تصمیم‌گیری بهتر معرفی می‌کند (آندرسون^۳، ۲۰۰۹: ۲). اصطلاحات «علم مدیریت»^۴ و «تحقیق در عملیات»^۵ اغلب به جای یکدیگر به کار می‌رود و بر کاربردهای علمی فنون ریاضی در حل مسائل مدیریتی دلالت دارد (رضائیان، ۱۳۸۳: ۵۸). تحقیق در عملیات اساساً با رابطه بین الگوسازی علمی و کاربرد آنها در تجربه‌ها و زمینه‌های اجتماعی، مرتبط است. این مسائل نیز در مرکز قلمرو علم مدیریت متمرکز شده است (پیکوت^۶، ۲۰۰۹: ۱۱۲۱)؛ بنابراین علم مدیریت رویکرد علمی^۷ به تصمیم‌گیری مدیریتی است (رندر و استیر^۸، ۱۹۹۲: ۲).

یکی از اندیشمندانی که به طور خاص مطالعات خود را در این حوزه قرار داده، پرفسور برنس است. وی در ابتدا به مقایسه مسائل مختلف در حوزه دو علم پژوهش عملیاتی و فیزیک می‌پردازد. هر دو اینها یعنی علم فیزیک و الگوهای پژوهش عملیاتی، سامانه‌های دنیای واقعی است که به دنبال توصیف، درک و مدیریت اوضاع است. با این تفاوت که علم فیزیک به الگوسازی موقعیت‌های دنیای واقعی طبیعی توجه دارد در حالی که علم مدیریت به الگوسازی^۹ سامانه‌های انسانی می‌پردازد (برانز، ۲۰۰۲: ۱۹۶-۱۹۱). به دلیل اینکه پدیده‌های طبیعی و قوانین مرتبط با آن تغییرپذیری ندارد و یا تغییرپذیری اندکی دارد، متعاقباً الگوهای تقریبی برای آنها ساخته شده است به طوری که تصمیمات برخاسته از آنها دچار تغییرپذیری بسیار اندکی است و ثبات کافی

- 1 - Kocntz & Weihrich
- 2 - Frederick
- 3 - Anderson
- 4 - Management science
- 5 - Operations research
- 6 - Picavet
- 7 - Scientific approach
- 8 - Render & Stair
- 9 - Modeling

دارد. تغییرپذیری در سامانه‌های انسانی زیاد، و تصمیم‌گیری در این سامانه‌ها دچار پیچیدگی‌های فراوانی است و هر موقعیتی از دنیای واقعی انسانی می‌تواند به بروز مسائل جدیدی منجر گردد و روز به روز هم بر این پیچیدگی اضافه می‌شود. این پیچیدگی تنها به موقعیت دنیای واقعی وابسته نیست و به تصمیم‌گیرنده هم بستگی دارد به طوری که می‌توان گفت با تغییر تصمیم‌گیرنده، مسئله جدیدی به وجود می‌آید؛ لذا به منظور تصمیم‌گیری در هر موقعیت دنیای واقعی انسانی باید عواملی از جمله ترجیحات تصمیم‌گیرنده و هم‌چنین پیچیدگی‌های در حال افزایش به دلیل قوانین جدید، بازارهای جدید، مشتریان جدید، ابزارهای تولید جدید را در نظر گرفت؛ بنابراین غیرمعمول است که بتوان سامانه‌های انسانی را کیفی و تنها با احساس و ادراک، مدیریت کرد؛ به عبارتی استفاده صرف از رویکردهای کیفی برای سامانه‌های انسانی بسیار خطرآفرین است؛ لذا استفاده از روش‌های کمی لازم و ضروری است؛ یعنی به ابزار الگوسازی نیاز است تا بتوان به تصمیم‌گیرنده در خصوص تصمیم‌گیری‌های مناسب و درست دیدگاه روشنی داد و این همان رشته علم مدیریت یا رشته همیار تصمیم است (آذر و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۲).

پیشینه پژوهش

تا کنون اخلاق در حوزه‌های مختلفی از جمله اخلاق محیطی (شُگ^۱، ۲۰۰۸)، اخلاق کسب و کار (هود و لاگستن^۲، ۲۰۰۲)، اخلاق در خدمات عمومی (لاتن^۳، ۲۰۰۵) و غیره بررسی شده، و در حوزه اخلاق در علم مدیریت یا تحقیق در عملیات نیز اخیراً بررسی‌هایی انجام گرفته است که ذیلاً به بیان اهداف برخی از آنها پرداخته می‌شود. یک بررسی به معرفی جدیدترین جریان‌ها و مقالاتی پرداخته است که روش‌های تحلیلی و ارزش‌های اخلاقی را همراه هم در علم مدیریت و تحقیق در عملیات در نظر می‌گیرد (منسترل و وان واسنهو^۴، ۲۰۰۹). در تحقیق دیگری نویسنده در بررسی رابطه اخلاق در تحقیق در عملیات دو رویکرد اخلاقیات مبتنی بر قوانین و اخلاقیات مبتنی بر اصول و ارزش‌ها را بررسی کرده است (گالو^۵، ۲۰۰۴). نویسنده دیگری ثابت می‌کند که اخلاق

1 - Schug

2 - Hood & Logsdon

3 - Lawton

4 - Menestrel & Van Wassenho

5 - Gallo

مباحثه با OR به خصوص در حوزه سامانه‌های نرم و حیاتی ارتباط قوی دارد (مینگرز^۱، ۲۰۱۰)، تحقیق دیگری به ترکیب کاربردی شیوه‌های OR برای الگوسازی مشکلات تصمیم‌گیری در ابعاد اخلاقی پرداخته است (کانش و همکاران^۲، ۲۰۰۹).

اخلاق در مدیریت

اخلاق، قواعد ارزشی و هنجاری هر جامعه است که در رفتار افراد آن انعکاس می‌یابد. اینکه چگونه اصول اخلاقی را بر موارد خاص اعمال کنیم، همان اخلاق کاربردی است که شامل اخلاق اقتصادی، اخلاق پزشکی، اخلاق محیط زیست، اخلاق علمی، اخلاق در سازمان و مدیریت و اخلاق در علم مدیریت (تحقیق در عملیات) هم هست (آذر و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۲ و ۶۱).

همان‌طور که در قسمت قبل بیان شد، دانشمندان اقتصاد و مدیریت مهمترین وظیفه مدیریت را تصمیم‌گیری می‌دانند و این وظیفه را بهترین و اصیلترین نقش مدیر قلمداد کرده‌اند (الوانی، ۱۳۸۴: ۱۸). به دلیل وجود راه‌حلهای گوناگون، پیامدهای گسترده، احتمالات غیرقابل کنترل و استدلالهای شغلی که جزئی جدانشدنی از این تصمیمات است، انتخاب را پیچیده‌تر می‌کند؛ لذا ضروری است برای تصمیم‌گیری در این موارد از روشهای مختلفی بهره‌گیری، و به حل این مشکل اقدام شود (هسمر، ۱۳۸۲: ۱۲ و ۱۱). آنچه را ما عمل عادلانه، منصفانه و درست و مناسب می‌دانیم بر اساس تصمیم‌گیریهای اخلاقی است. برای اینکه در تصمیم‌گیری اصول اخلاقی را رعایت کنیم، ناگزیر باید مسئله را با توجه به روشهای سه‌گانه (اقتصادی، قانونی و فلسفی) تجزیه و تحلیل کنیم (هسمر، ۱۳۸۲: ۱۴۸) که ذیلاً به شرح مختصری از هر روش پرداخته می‌شود:

در هر سه روش مهم این است که مدیران باید در تصمیماتی که در خصوص مشکلات اخلاقی می‌گیرند، بین عملکرد اقتصادی (که به وسیله درآمدها، هزینه‌ها و سودها اندازه‌گیری می‌شود) و عملکرد اجتماعی (که در قالب تعهدات آن سازمان در داخل و خارج نسبت به دیگران بیان می‌شود) توازن ایجاد کنند (هسمر، ۱۳۸۲: ۱۱).

1 - Mingers

2 - Kunsch et al.,

۱ - اقتصاد^۱ و اخلاق مدیریت

این روش با استفاده از نظریه اقتصاد خرد و عناصر تشکیل دهنده آن برای رویارویی با هر مشکل اخلاقی، به تجزیه و تحلیل اقتصادی بر اساس عوامل بازار می‌پردازد (هَس مر، ۱۳۸۲: ۱۲).

۲ - قانون^۲ و اخلاق مدیریت

روش تجزیه و تحلیل قانونی بر پایه عوامل اجتماعی معرفی می‌شود (هَس مر، ۱۳۸۲: ۱۲). بحث قانونی این است که جامعه برخی قوانین را تدوین می‌کند و این قوانین منعکس‌کننده انتخابهای گروهی اعضای جامعه درباره تصمیمات و رفتاری است که رفاه جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هَس مر، ۱۳۸۲: ۸۳). نمونه‌های بسیاری از قوانین هست که منعکس‌کننده قضاوت‌های اخلاقی جامعه است؛ از جمله قوانینی که علیه آلودگی محیط زیست و حمایت از نیازمندان و ... است (هَس مر، ۱۳۸۲: ۸۱).

۳ - فلسفه هنجاری^۳ و اخلاق مدیریت

روش تجزیه و تحلیل فلسفی با اعتماد بر پنج معیار اخلاقی تحت عناوین قانون جاویدان، نظریه سودمندگرایی، نظریه وظیفه‌گرایی، عدالت توزیعی و آزادی فردی بررسی می‌شود (هَس مر، ۱۳۸۲: ۱۲). فلسفه، مطالعه فکر و رفتار است و فلسفه هنجاری مطالعه فکر و رفتار مناسب؛ یعنی اینکه چگونه باید رفتار کنیم، است (هَس مر، ۱۳۸۲: ۱۱۲). این پنج معیار در واقع پنج سامانه‌ای است که مستقیماً به تصمیمات مدیریتی مربوط می‌شود. در هر سامانه باورهای اخلاقی هست که در تصمیمات مدیران تأثیرگذار است که در جدول ذیل ماهیت باورهای اخلاقی و مشکلات سامانه اخلاقی به طور مختصر بیان می‌شود.

1 - Economy
2 - law
3 - Normative Philosophy

جدول ۱ - معیارهای اخلاقی روش تجزیه و تحلیل فلسفی

مشکلات سامانه اخلاقی	ماهیت باورهای اخلاقی	معیارهای اخلاقی
تفسیرهای متعددی از قانون وجود دارد درحالی که عقل حکم می‌کند که یک اصل یا ارزش مطلق وجود داشته باشد.	استانداردهای اخلاقی در قالب یک قانون ابدی ارائه می‌شود که در کتاب مقدس یا ظاهراً در طبیعت آشکار می‌شود و سپس به وسیله رهبران مذهبی یا فلاسفه تفسیر می‌گردد. عقیده بر این است هر شخص باید مطابق این تفسیر عمل کند.	قانون جاویدان
آن دسته از رفتار غیراخلاقی را که منافع قابل توجهی برای بیشتر مردم ایجاد می‌کند، می‌توان توجیه نمود؛ حتی اگر هزینه وارده بر اقلیت جامعه غیر قابل جبران باشد.	اخلاقی بودن بستگی به نتیجه هر عمل یا تصمیم دارد. اصل این است که هر شخص باید در جهت خلق منافع بیشتر برای بیشترین تعداد مردم عمل کند.	سودمندگرایی (نظریه فرجام‌گرایی)
رفتار غیراخلاقی توسط افرادی که مستعد خودفریبی یا خودبزرگ‌بینی هستند، توجیه می‌گردد و معیاری برای قضاوت بین خواسته‌ها وجود ندارد. یک اصل یا ارزش دیگر برای پالایش مفهوم امر مطلق مورد نیاز است.	هر شخص باید طوری عمل کند که دیگران در وضعیت مشابه آن همان‌طور عمل کنند.	وظیفه‌گرایی (نظریه آغازگرایی)
تقدم ارزش عدالت به پذیرش این نکته وابسته است که توزیع عادلانه منافع، همکاری اجتماعی را تضمین می‌کند.	معیارهای اخلاقی بودن بر اساس تقدم یک ارزش واحد که همانا عدالت است بنا می‌شود. هر کس باید طوری عمل کند که توزیع عادلانه‌تر منافع عملی گردد؛ زیرا این امر موجب افزایش عزت نفس می‌شود که برای همکاری اجتماعی ضروری است.	عدالت توزیعی
تقدم ارزش آزادی به پذیرش این نکته وابسته است که آزادی فردی، بهره‌وری اجتماعی را تضمین می‌کند.	معیارهای اخلاقی بودن بر اساس تقدم ارزش واحد است که شامل آزادی فردی است. همه باید برای آزادی بیشتر فعالیت کنند؛ زیرا موجب افزایش تبادل بازار می‌شود که برای بهره‌وری اجتماعی ضروری است.	آزادی فردی

منبع: (هَس مر، ۱۳۸۲: ۱۲۸)

در نتیجه هیچ باور واحدی برای هدایت مدیران به منظور دستیابی به تصمیمات اخلاقی دشوار وجود ندارد؛ اما این امر به آن معنی نیست که همه ما ناگزیر باید به خود متکی باشیم و درباره تصمیمات و رفتار مؤثر بر دیگران، هر کاری که می‌خواهیم انجام دهیم؛ لذا به جای استفاده از

سامانه اخلاقی، باید از هر پنج سامانه استفاده کرد و پیامدهای رفتار خود را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد (هَس مر، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

اخلاقیات با ارزشها^۱ ارتباط نزدیک و تنگاتنگی دارد و به عنوان ابزاری نگریسته می‌شود که ارزشها را به عمل تبدیل می‌کند. به قول آیر «اخلاق بیش از مباحث دیگر با ارزشها سر و کار دارد» (آیر^۲، ۲۰۰۲: ۱۴۴). بنابراین، اخلاق یعنی رعایت اصول معنوی و ارزشهایی که بر رفتار شخص یا گروه حاکم است، مبنی بر اینکه درست چیست و نادرست کدام است (دفت، ۱۳۷۴: ۶۳۸). برای تعیین ارزش افعالی که به زندگی اجتماعی مربوط می‌شود و ارزش ملکاتی که از این افعال به وجود می‌آید، باید اصولی را در نظر گرفت که بر اساس بینش عقلانی و توجه به واقعیاتی استنباط می‌شود که در زندگی اجتماعی وجود دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۳۹) که در ادامه این اصول بیان می‌شود:

۱ - اصل عدل

عقل، زندگی اجتماعی را فقط وسیله‌ای نمی‌داند که فرد به کمال خویش دست یابد، بلکه آن را مقدمه‌ای برای تکامل همه افراد می‌داند. مقتضای حکم عقل این است که هر فردی به اندازه‌ای که در زندگی اجتماعی و تحصیل مصالح جامعه مؤثر است به همان اندازه هم از نتایج کار و نتایج زندگی اجتماعی بهره‌مند شود و این همان اصل عدل است (شیروانی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۹۷)؛ پس رفتار اجتماعی افراد در صورتی درست و ارزشمند است که به مصالح کلی جامعه بینجامد و هیچ‌گاه، نباید برای اینکه فرد یا افرادی به منافع خود دست یابند، عده‌ای دیگر از مواهب و مزایای زندگی محروم و از هستی ساقط شوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۳۹). در قرآن کریم عدل و قسط گاهی به طور مطلق مطرح شده (به طور عام دعوت به عدالت ورزی شده است) و گاهی در موارد خاص بر عدالت تأکید شده است (شیروانی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۹۷). برخی از آیات در این زمینه عبارت است از:

- «و چون میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید.»^(۳)

- «البته نباید دشمنی گروهی، شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا

نزدیکتر است.»^(۴)

1 - Value

2 - Ayer

۲- اصل احسان

عدل، همان‌طور که بیان شد، اصل مهمی است؛ اما نمی‌تواند تنها معیار ارزش‌گذاری در روابط اجتماعی باشد؛ زیرا در هر جامعه، به‌طور طبیعی افرادی پیدا می‌شوند که وضع استثنایی دارند که تنها با کار خود قادر به تأمین نیازهای زندگی خویش نیستند؛ مانند افرادی که داری نقص عضو هستند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰: ۴۲). اصل احسان برای جبران کمبودهایی است که در هر جامعه‌ای پدید می‌آید: «قطعاً خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد».^(۵)

۳- اصل تقدم مصالح معنوی بر مصالح مادی

اگر تراحمی بین مادیات و معنویات پیدا شود، معنویات مقدم خواهد بود؛ زیرا انسانیت انسان و کمال حقیقی او در سایه معنویات به دست می‌آید (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰: ۴۵)؛ زیرا در بینش اسلامی منافع مادی، وسیله‌ای برای تحقق مصالح معنوی، و دنیا مقدمه‌ای برای آخرت است. تأکید قرآن کریم بر تبری از کفار بر همین اصل مبتنی است. بنابراین، اگر رابطه اقتصادی با جامعه‌ای موجب شود که استقلال و عزت و عظمت مسلمانان در خطر افتد، آن رابطه باید قطع شود:

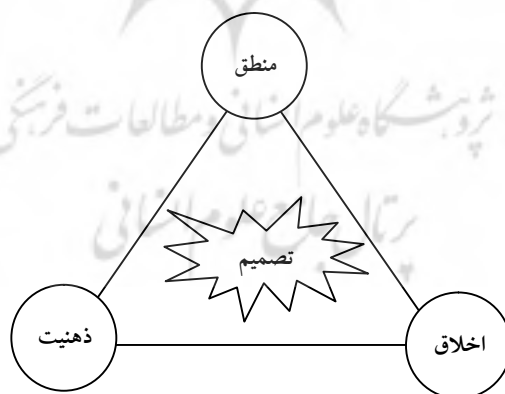
«مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان دوست بگیرند و هر که چنین کند بهره‌ای از دوستی خدا ندارد؛ مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کند»^(۶) (شیروانی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۹۸).

فلسفه اخلاق در علم مدیریت

مدیریت، مفهومی بس بلند دارد؛ زیرا مدیر انسانی است که با انسانها سروکار دارد. خود انسان موجودی است ناشناخته و دارای ابعاد روحی و جسمی مختلف، موجودی است که «من عرف نفسه فقد عرف ربه»: هر کس خودش را بشناسد معبود خود و پروردگار خویش را شناخته است. حال نکته‌ای که اهمیت دارد این است که مدیریت راه و روش برخورد با چنین موجودی و وارد شدن در مسائلی است که به وسیله او به وجود می‌آید و مدیر، انسانی است که باید با چنین موجودی سر و کار داشته باشد (حیبی تبار، ۱۳۸۰: ۱۶).

اخلاق در مدیریت نیز بر این اساس، که روابط ما با اعضای جامعه‌ای که در آن فعالیت داریم، چگونه است و چگونه باید متمرکز گردد، استوار است. بدون تردید مهمترین و حساسترین مسئله

در مدیریت ایجاد تعادل و توازن بین عملکرد اقتصادی و عملکرد اجتماعی برای تصمیم‌گیری اخلاقی است (هسمر، ۱۳۸۲: ۱۱). یکی از نکات اساسی در تصمیم‌گیریها، توجه به محیط اجتماعی و ارزشهای آن است. بنابراین در هر تصمیم‌گیری مرتبط با دنیای واقعی انسانها با طیف وسیعی از معیارها روبه‌رو هستیم که بر پیچیدگی مسئله تصمیم می‌افزاید (سجادپور، ۱۳۸۵: ۷۷)؛ لذا هر تصمیم در چارچوب انسانی یا اقتصادی - اجتماعی باید در سه قطب اثرگذار (منطقی بودن^۱، ذهنیت^۲ و اخلاق) مورد تأیید قرار گیرد. بواقع در هر فرایند الگوسازی مرتبط با تحقیق در عملیات و تصمیم‌گیری به منظور تضمین اخلاقی بودن هر تصمیم، علاوه بر قطب منطقی بودن باید به دو قطب دیگر هم همزمان توجه کرد (آذر و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۵). بنابراین به منظور بهبود کارایی تصمیم‌گیری، باید آزادی عمل تصمیم‌گیرندگان لحاظ شود و الگوها باید شامل ذهنیت، احساس، تجربه و رأی و نظر تصمیم‌گیرندگان باشد. از دیگر رو منطقی و عقلانی بودن جواب بهینه برای تصمیم‌گیری در خصوص مسائل اقتصادی - اجتماعی مناسب نیست. در هر چارچوب اقتصادی - اجتماعی انسانی نه تنها بحث حداکثر کردن سود مطرح است بلکه معیارهایی چون رفاه اجتماعی، مدیریت ضایعات و حداقل کردن آلودگی و... نیز مطرح است که همان بحث اخلاق است (آذر و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۶). شکل ۱ نشان می‌دهد که چگونه تصمیم افراد تحت تأثیر سه قطب منطقی بودن، اخلاق و ذهنیت است.



شکل ۱ - سه قطب اثرگذار بر تصمیم

- 1 - Rationality
2 - Subjectivity

هم‌چنین با توجه به اینکه چارچوب اصلی علم مدیریت مبتنی بر الگوسازی است از موارد مهم اخلاق در OR، اخلاق در الگوسازی است. بحث اخلاق در الگوسازی مباحثی چون کدها و استانداردهای اخلاقی برای الگوسازان، صحت و درستی الگو (الگوی استوار) مطرح می‌شود (آذر و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۷). رهنمودهای اخلاقی، اصول عمومی رفتاری پذیرفته‌شده‌ای را بیان می‌کند که اعضای هر حرفه در وظایف حرفه‌ای خود دنبال می‌کنند؛ اعم از اینکه تجربه، پژوهش یا آموزش باشد (گاس^۱، ۲۰۰۹: ۱۰۴۴). هم‌چنین ارزش یعنی، آنچه برای ما مهم است، این بدان معناست که ارزشها باید نیروی پیشران تصمیم‌گیریهایی ما باشد و زمان و کوششی که صرف اندیشیدن به تصمیم‌ها می‌شود، باید بر پایه ارزشها باشد (آذر و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۳).

فلسفه اخلاق، پاسخهای مناسبی برای دهها سؤال برخاسته از گزاره‌های اخلاقی جست‌وجو می‌کند و پرسش‌هایی از قبیل چیستی فعل اخلاقی و معیار و ملاک ارزش اخلاقی را روشن می‌کند (حسین‌زکی، ۱۳۸۴). در پرتو آن مدیریت، می‌تواند مسیر صحیح و روشهای مناسب برای هر تصمیم اخلاقی را با وارد کردن ارزشها و اصول اخلاقی در ابزارها و الگوهای تصمیم‌گیری، انتخاب کند. از طرفی برخی از دانشمندان شماری از راه‌هایی را مشخص می‌کنند که بتوان از طریق آنها اخلاق را با الگوها ترکیب کرد (بروکسی^۲، ۲۰۰۹: ۱۰۷۴). سه رویکرد عمده در این زمینه در تصمیم‌گیری مطرح شده است که ذیلاً به شرح آنها پرداخته می‌شود:

۱ - روش حذف گزینه‌های نامطلوب^۳

فرض کنید که مجموعه A شامل همه گزینه‌های ممکن به منظور پیگیری است. $A = \{a_i, i=1,2,\dots,n\}$ و n تعداد گزینه‌های در دسترس باشد، آن‌گاه یکی از روشها این است که گزینه‌هایی که به اندازه کافی با ارزشها و اصول تعیین شده انطباق ندارد، از همان ابتدا از الگو حذف شود؛ یعنی a_i هایی را که با ارزشها منطبق نیست از ابتدا از فرایند تصمیم‌گیری خارج می‌کنیم.

این روش یکی از ساده‌ترین روشهاست که به آسانی می‌توان از آن در راستای تحقق اهداف ارزشی- اخلاقی بهره جست (سجادپور، ۱۳۸۵: ۷۸).

1 - Gass
2 - Brocklesby
3 - Elimination

۲- افزودن محدودیتهای اضافی به الگوی تصمیم‌گیری^۱

روش دوم برای لحاظ کردن ارزشها و اصول اخلاقی این است که در فرایند تصمیم‌گیری شاخصهایی تحت عنوان اصول راهنما به الگو افزوده، و به عنوان محدودیتهای جدید به محدودیتهای قبلی اضافه شود؛ در این صورت می‌توان پذیرفت که دستیابی به جواب بهینه، تنها از راه ارزیابی و بررسی شاخصهای ارزشی و اخلاقی عبور می‌کند و در الگوهای پژوهش عملیاتی برای لحاظ نمودن چنین عواملی می‌توان محدودیت ریاضی جدید به الگو افزود تا موارد خاص در الگو لحاظ شود. به مثالی در این زمینه توجه کنید که در آن مسئله تصمیم تنها به دلیل الگوی برنامه ریزی خطی تک معیاره الگوسازی شده است:

$\text{MIN } \{Cx \mid Ax > b, x > 0\}$ که در آن $\{x_1, x_2, \dots, x_j, \dots, x_n\}$: x بوده و x

نشاندنده سطح خاصی از فعالیت J است.

اگر در این الگو الزامات ارزشی و اخلاقی (مانند رعایت مسائل زیست محیطی) مانع توسعه فعالیتهای n گانه تا حداکثر مجموع خاصی معادل K گردد، می‌توان برای اعمال این الزام محدودیت زیر را به محدودیتهای قبل افزود:

$$a_1x_1 + a_2x_2 + \dots + a_jx_j + \dots + a_nx_n < K$$

که در آن a_j میزان آلودگی^۲ ناشی از یک واحد فعالیت J است. چنین محدودیتهای اضافی را می‌توان برای سایر عوامل نیز در نظر گرفت. لحاظ نمودن چنین محدودیتی در الگو باعث می‌شود که منطقه موجه محدودتر شود؛ ولی در نهایت تصمیم گرفته شده با اوضاع دنیای واقعی منطبق خواهد بود (سجادپور، ۱۳۸۵: ۷۹).

۳- ارزیابی و اولویت‌بندی گزینه‌ها

فرض کنید، تصمیم‌گیرنده، مسئله تصمیم خود را به یک معادله چند معیاره شامل k معیار تبدیل کرده است:

$$F_j(\cdot), j=1, 2, \dots, k$$

فرض کنید که مجموعه گزینه‌های قابل انتخاب محدود و شامل مجموعه

$A: \{a_i, i=1, 2, \dots, n\}$ باشد. روشی که دکتر برنس با عنوان پرومسی گایا^۳ معرفی می‌کند، با

1 - Additional Constraints

2 - Pollution

3 - PROMETHEE-GAYA

افزودن دو دسته اطلاعات جدید به این مسئله چند معیاره باعث حل آن می‌شود. این اطلاعات شامل الف) اطلاعات بین معیارها (وزن اهمیت نسبی هر معیار یا Wi) و ب) اطلاعات درون معیارها (تابع ترجیحی هر تصمیم a نسبت به تصمیم دیگر b^(۷)) می‌شود. در ادامه روش پرومسی گایا از طریق مقایسه^۱ زوجی بین گزینه‌های تصمیم به اولویت‌بندی آنها می‌پردازد و از طریق نرم‌افزار متناسب ورودیها را تحلیل می‌کند و بدین ترتیب و پس از اولویت‌بندی گزینه‌های تصمیم می‌توان نسبت به انتخاب موارد مناسب اقدام کرد. حال با توجه به این مباحث باید برای دخیل کردن انواع ارزشها در تصمیم‌گیری از بین این روشها، گزینه‌های مناسب انتخاب شود (سجادپور، ۱۳۸۵: ۸۰).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌طور که مطرح شد، مهمترین وظیفه مدیریت تصمیم‌گیری است. مدیریت از طریق ابزار و روشهایی به مدیران برای تصمیم‌گیری بهتر کمک می‌کند. از آنجا که تصمیمات مدیران تأثیرات بسیاری بر انسانها و محیط پیرامون دارد و اگر مدیران صرفاً قطب منطق را در تصمیماتشان در نظر داشته باشند، ممکن است برای رسیدن به این منطق آسیبهای جدی به اقشار جامعه و حتی محیط پیرامون وارد کنند، اخلاق در علم مدیریت با ارائه برخی اصول و استانداردهای اخلاقی برای طراحان الگوهای تصمیم‌گیری می‌تواند به ایجاد الگوهایی کمک کند که منافع عامه را در بر دارند؛ لذا تصمیم‌گیری بر اساس عوامل اخلاقی و مسؤلیت اجتماعی توسط مدیران باعث می‌شود که منافع جامعه و محیط پیرامون در نظر گرفته، و به عبارتی بین عملکرد اقتصادی و اجتماعی تعادل ایجاد شود.

در کشور ما نیز به دلیل داشتن برخی ارزشها و اصول اخلاق اسلامی، که در طراحی الگوهای پژوهش عملیاتی مطرح در کتابهای دنیا در نظر گرفته نشده است، طراحان الگوها می‌توانند از طریق سه رویکردی که در آخر این مقاله بررسی شد به وارد کردن ارزشها و اصول اخلاقی مورد قبول جامعه خود در الگوهای تصمیم‌گیری برای گرفتن تصمیمات اخلاقی مبتنی بر ارزشهای جامعه بهره‌گیرند.

تا کنون پژوهش‌های بسیاری در حوزه اخلاق در زمینه‌های مختلف انجام شده اما در زمینه علم مدیریت همان گونه که در این مقاله بحث شد، طی چند سال اخیر پژوهشگران وارد این حوزه شده‌اند و با مشخص شدن اهمیت اخلاق در علم مدیریت در حال حاضر، بررسی‌های مختلف در این حوزه لازم است و زمینه‌های مختلفی نیز برای تحقیق هست که پژوهشگران می‌توانند به آن بپردازند؛ از جمله شناسایی الگوهای اخلاقی در منابع اسلامی و تبدیل آنها به استانداردهای ریاضی و بررسی شیوه‌های مختلف تلفیق ارزشهای اخلاق اسلامی در الگوهای OR با استفاده از صاحب‌نظران هر دو حوزه.

یادداشتها

- ۱ - «الملك كالنهر العظيم، تستمد منه الجداول؛ فان كان عذبا عذبت و ان كان ملحا ملحت.»
- ۲ - انى بُعثتُ لأتمم مكارم الاخلاق.
- ۳ - سوره نساء آیه ۵۸ إِذَا حَكُمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ.
- ۴ - سوره مائده آیه ۸ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ.
- ۵ - سوره نحل آیه ۹۰ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ.
- ۶ - سوره آل عمران آیه ۲۸ لَّا يَجِدُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً.
- ۷ - در صورت ترجیح مطلق تصمیم (a به b) $P_j(a,b) = 1$ و در صورت عدم ترجیح تصمیم (a به b) $P_j(a,b)=0$

منابع فارسی

قرآن کریم.

آذر، عادل؛ ربیع، مسعود؛ قیطاسی، فاطمه (۱۳۸۷). اخلاق در علم مدیریت. فصلنامه علوم و فناوری. ش ۱ و ۲: ۶۱ - ۷۰.

الوانی، مهدی (۱۳۸۴). مدیریت عمومی. چ بیست و پنجم. تهران: نشر نی.

جامعی، سعید (۱۳۸۸). فلسفی عقیدتی در مدیریت اسلام. مجله اقتصاد و مدیریت. ش ۳۰: ۱۷ - ۵.

حبیبی تبار، جواد (۱۳۸۰). گام به گام با اخلاق مدیریت و شیوه های پیشرفت آن. قم: نشر خرم.

حسین زکی، ناظر (۱۳۸۴). فلسفه اخلاق. فصلنامه فرهنگ جهاد. ش ۴۱ - ۴۲.

دفت، ریچارد ال (۱۳۷۴). تئوری سازمان و طراحی ساختار. ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی. تهران: مطالعات و پژوهش های بازرگانی.

- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵). ارباب امانت اخلاق اداری در نهج البلاغه. چ پنجم. تهران: دریا.
- رضائیان، علی (۱۳۸۳). مبانی سازمان و مدیریت. چ ششم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سجادپور، مهدی (۱۳۸۵). جایگاه ارزشها و اصول اخلاقی در آینده‌نگاری فناوری. نشریه پژوهشی، آموزشی و اطلاع‌رسانی. ش ۲۴: ۸۴ - ۶۱.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۸۴). آیین زندگی (اخلاق کاربردی). چ دهم. قم: دفتر نشر معارف.
- شیروانی، علی (۱۳۸۲). اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن. چ سوم. ویراستار علمی: رضا بابائی. قم: انتشارات دارالفکر.
- علی‌اکبری، حسن؛ رضائی، حسن (۱۳۹۱). بررسی پایه‌های نظری موضوع تصمیم‌گیری مبتنی بر اخلاق اسلامی. دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی. س ۲۰. ش ۱: ۱۷۴ - ۱۴۹.
- عمید، حسن (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی. چ هجدهم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- غروی، محسن (۱۳۸۰). فلسفه اخلاق از دیدگاه اسلام. چ دوم. قم: مؤسسه فرهنگی یمین.
- فرانکینا کی، ویلیام (۱۳۷۶). فلسفه اخلاق. ترجمه هادی صادقی. قم: مؤسسه فرهنگی طه.
- محمودیان، محمد رفیع (۱۳۸۰). اخلاق و عدالت. تهران: طرح نو.
- مدرسی، سید محمد رضا (۱۳۷۶). فلسفه اخلاق. چ دوم. تهران: مجتمع فرهنگی سروش. معاونت بازرگانی.
- مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۵). کیمیای سعادت. ترجمه طه‌الاعراق. میرزا ابوطالب زنجانی. تصحیح ابوالقاسم امامی. تهران: انتشارات نقطه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). اخلاق در قرآن. ج سوم. چاپ دوم. تحقیق و نگارش محمد حسین اسکندری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). فلسفه اخلاق. تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- معلمی، حسن (۱۳۸۵). فلسفه اخلاق. مجله قیاسات. سال ۱۱. ش اول: ۱۰۸ - ۹۳.
- نجازادگان، فتح‌الله (۱۳۸۷). رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی. چ دوم. قم: دفتر نشر معارف.
- وارنوک، مری (۱۳۸۰). فلسفه اخلاق در قرن بیستم. ترجمه ابوالقاسم فنایی. قم: بوستان کتاب.
- وحید خراسانی، حسین (۱۳۸۵). به یاد آن که مذهب حق یادگار اوست: اقتباس از مقدمه ای در اصول دین و بیانات. چ دوم. قم: مدرسه الامام باقر العلوم.
- هسمر، ال‌تی (۱۳۸۲). اخلاق در مدیریت. ترجمه سید محمد اعرابی و داود ایزدی. چ دوم. ویرایش ۲. تهران: انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی.

منابع انگلیسی

- Anderson DR., Sweeney DJ., Williams TA., Wisniewski, M (2009). **An Introduction to Management Science: Quantitative Approaches to Decision Making**, publisher:Thomas Rennie.
- Ayer, A.J. (2002), **Language, Truth & Logic, First Edition, London: Penguin Books.**
- Brans JP (2002). Ethics and decision. **European Journal of Operational Research**, 136:340–352.
- Brans JP (2002). Ethics and Decisions: the OATH of PROMETHEUS. **European Journal of Operational Research**, 140: 191-196.
- Brocklesby J (2009). Ethics beyond the model: How social dynamics can interfere with ethical practice in operational research/management science. **Ethics and Operations Research, journal of Omega, Elsevier Ltd, Editor B. Lev.**, vol 37,6: 1037- 1082.
- Ethics, problems of Kai Nielsen(1972) in **The Encyclopedia of philosophy**. Pual Edwards, ed.(New yourk: Macmillan Publishing). V.3:121-122.
- Fisher, J & Bonn, I (2007). International Strategies & Ethics: Exploring the Tension between Head Office & Subsidiaries, **Management Decision**, Vol. 45, No. 10.
- Frederick RE (2002). **A Companion to Business Ethics**.Blackwell Publishers. Oxford. UK.
- Gallo G (2004). Operations research and ethics: Responsibility , sharing and cooperation. **European Journal of Operational Research**, 153 : 468–476.
- Gass SI (2009). Ethical guidelines and codes in operations research, **Ethics and Operations Research, journal of Omega, Elsevier Ltd, Editor B. Lev**, vol 37, 6: 1044- 1050.
- Hood JN, Logsdon JM (2002). Business ethics in the NAFTA countries: A cross-cultural Comparison. **Journal of Business Research**, 55: 833-890.
- Kocntz H & Wehrich H(2008). **Essentials of Management**, 15th ed, (New yourk: MCG RAW – HILL). 4.
- Kunsch P.L., Kavathatzopoulos I. and Rauschmayer F.(2009). Modelling complex ethical decision problems with operations research. **Omega, Journal of Ethics and Operations Research**, 37: 1100-1108.
- Lawton A (2005). Public service ethics in a changing world. **Futures**, 37: 231-243.
- Menestrel ML, Van Wassenhove LN (2009). Ethics in Operations Research and Management Sciences: A never-ending effort to combine rigor and passion. **Omega**, 37:1039—1043.
- Mingers J(2010). Ethics and OR: Operationalising discourse ethics. **European Journal of Operational Research**, doi:10.1016:1-11.
- Picavet, E (2009). Opportunities and pitfalls for ethical analysis in operations research and the management sciences. **Ethics and Operations Research, journal of Omega, Elsevier Ltd**, vol 37, no.6: 1121-1131.
- Render B & Stair RM.(1992). **Introduction to management science**, America: Allyn & Bacon.2.
- Schug DM(2008). The institutional implications of environmental ethics for fishery management in the US exclusive economic zone. **Marine Policy**, 32: 514–521.
- Singer, E. & Singer M. S./ (1997). **Management-Science and Business-Ethics: Journal of Business Ethics**, Kluwer Academic Publishers. **Printed in the Netherlands**, 16: 385–395.

